خبرها

کتاب «تئوری موسیقی» به چاپ سی و یکم رسید

مهر: کتاب «تئوری موسیقی» اثر مصطفی کمال پورتراب به عنوان یکی از کتاب‌های مرجع موسیقی، با اقبال هنرجویان مواجه شده است. پورتراب مولف و استاد دانشگاه درباره چاپ جدید کتابش به خبرنگار موسیقی مهر گفت: حجم کتاب «تئوری موسیقی» در قیاس با چاپ‌های پیشین آن دوبرابر شده و علاوه بر این، مطالبی به آن اضافه کرده‌ام که هم به روز شده و هم برای نخستین بار است که در کشورمان به آنها پرداخته می‌شود. این مترجم دو کتاب با عناوین «کنترپوان» تالیف «مارسل دوپره» و «هارمونی» اثر «پدرون» را نیز از زبان‌های انگلیسی و ایتالیایی به فارسی برگردانده است که از سوی انتشارات چنگ منتشر خواهند شد. پورتراب اثر «مارسل دوپره» را کتابی کامل و قابل قبول برای تدریس کنترپوان در دانشگاه‌ها توصیف کرد و گفت: دوپره در این اثر تا کنترپوان ۸صدایی رفته و در کتاب «هارمونی» نیز به جنبه‌های عملی و کاربردی، توجه ویژه‌ای داشته است. مصطفی کمال پورتراب علاوه بر سابقه طولانی‌ای که در حوزه تدریس، تالیف و ترجمه دارد، عضو شورای عالی موسیقی صدا و سیما، رئیس کانون مدرسان خانه موسیقی و رئیس گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز هست. علاوه بر چاپ سی و یکم تئوری موسیقی که از سوی انتشارات چشمه منتشر می‌شود انتشارات چنگ نیز، ترجمه پورتراب از کتاب «هارمونی کلاسیک» اثر «شوئنبرگ» را در دست چاپ دارد.

کارگاه آموزشی داریوش طلایی در یونان

مهر: داریوش طلایی نوازنده تار و سه تار از سفر به کشور یونان برای برگزاری کارگاه آموزشی یک هفته‌ای با موضوع ردیف و موسیقی ایرانی خبر داد. به گزارش خبرنگار موسیقی مهر، طلایی تنها هنرمند ایرانی حاضر در این ورک‌شاپ خواهد بود. وی در این کارگاه یک هفته‌ای در کنار سایر موزیسین‌هایی که از کشورهای اروپایی و آسیایی شرکت خواهند کرد، ردیف موسیقی ایرانی را به علاقه‌مندان تعلیم خواهد داد. به گفته این نوازنده محل برگزاری این کارگاه‌ها در مدرسه و موزه سازهای سنتی شهر «کرت» یونان است. طلایی علاوه بر این از در آستانه انتشار بودن «ردیف ساز و آواز» که سال‌ها پیش از این او و رضوی سروستانی اجرا کرده بودند خبر داد. این نوازنده گفت: به احتمال زیاد این ردیف‌ها در ۱۳ سی‌دی از طرف انتشارات «مشکات» عرضه می‌شود.

اجرای گروه خورشید در حضور احمدی‌نژاد

ایرنا: گروه موسیقی خورشید از ایران در شهر شانگهای در شرق چین به اجرای کنسرت پرداخت. این شهر چندی پیش میزبان ششمین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای بود که «محمود احمدی‌نژاد» رئیس‌جمهوری ایران نیز در آن شرکت داشت. گروه موسیقی خورشید از ایران و گروه‌های موسیقی از کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای نیز در برنامه‌ای فرهنگی برای سران کشورهای عضو و ناظر این سازمان برنامه اجرا کردند. به گزارش سرکنسولگری ایران در شهر شانگهای در شرق چین، گروه موسیقی ایرانی به سرپرستی «مجید درخشانی» پس از برگزاری اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای نیز در ناحیه «پوتو» این شهر و در مقابل انبوه مشتاقان هنر ایرانی برنامه اجرا کرد که با استقبال مواجه شد. گروه ۱۵ نفره موسیقی خورشید پس از آن با همکاری سرکنسولگری ایران در شانگهای، برنامه‌ای برای ایرانیان مقیم این شهر چین اجرا کرد.

گروه موسیقی «صبا» در جشنواره ملودی جهانی

فارس: گروه موسیقی «صبا» به سرپرستی «فاضل جمشیدی» سوم سپتامبر مصادف با ۱۲ شهریورماه در جشنواره «ملودی جهانی» در مغولستان به اجرای موسیقی بختیاری می‌پردازد. «فاضل جمشیدی» سرپرست گروه موسیقی صبا گفت: جشنواره ملودی جهانی با حضور ۸ کشور از جمله ایران، تایوان، ترکیه، ژاپن و اسکاتلند در مغولستان برگزار می‌شود که ما تصمیم داریم با استفاده از حرکات آیینی و موسیقی فولکلوریک بختیاری گوشه‌هایی از این نوع موسیقی را همراه با زندگی ایل بختیاری به روی صحنه ببریم. سرپرست گروه موسیقی صبا در ادامه از اجرای دیگری در کره خبر داد و افزود: سال گذشته به دلیل فعالیتم در زمینه موسیقی به عنوان مهمان در کنگره بین‌المللی آی او وی (کنگره بین‌المللی فولک) در کره حضور پیدا کردم که به دنبال آن امسال نیز از من دعوت به عمل آمده که همراه با یک ساز مضرابی از ایران در این جشنواره شرکت کنم که قرار است ۳۱ سپتامبر مصادف با ۸ مهرماه با ساز کمانچه به این جشنواره بروم که امیدوارم «هادی منتظری» نوازنده این ساز نیز با من همراه شود و قطعاتی از موسیقی سنتی ایران را به اجرا درآورد. «جمشیدی» با اشاره به اینکه قصد دارم فعالیت‌های هنری‌ام را در خارج از کشور وسعت دهم خاطرنشان کرد: هدفم این است که با کم شدن فعالیتم در خانه موسیقی از قابلیت‌های گسترده‌ام در زمینه هنری در فعالیت‌های جهانی بیشتر استفاده کنم. همچنین قصد دارم از بخش‌های خصوصی در داخل کمک بگیرم و بخش صنعت و اقتصاد را درگیر کار موسیقی کنم. که امیدوارم با استفاده از قابلیت‌هایم بتوانم چهره فرهنگی ایران را در خارج از کشور بیشتر نمایان کنم.

کنسرواتوار چایکوفسکی

گفت‌وگو با استاد کنسرواتوار چایکوفسکی

شما سوپراستار نیستید

فرزین تهرانیان

«خیلی خوشبخت هستم، از دیدار شما.»

هر ایرانی‌ای که در کنسرواتوار چایکوفسکی شهر «کی‌یف» با «نیکلای پتروویچ میخایلنکو» برخورد کند در اولین دیدار این جمله را از او می‌شنود: «خیلی خوشبخت هستم، از دیدار شما.» این تنها جمله‌ای است که «میخایلنکو» به فارسی و با لهجه‌ای خوب بیان می‌کند.

«نیکلای پتروویچ میخایلنکو» (Nikolai Mikhailenko) در سال ۱۹۵۲ در شهر ماریوپل در جمهوری اوکراین از شوروی متولد شد. موسیقی را از کودکی زیر نظر پدرش که نوازنده «بایان» بود آغاز کرد. از ۱۴ سالگی به نواختن گیتار کلاسیک روی آورد. در ۲۰ سالگی در هنرستان موسیقی شهر زادگاهش در کلاس گیتار معلم این هنرستان به‌نام سوشکو پذیرفته شد و در ۲۳ سالگی به آکادمی ملی موسیقی اوکراین (کنسرواتوار چایکوفسکی) راه پیدا کرد تا زیر نظر معلم این کنسرواتوار به نام پوخاکسکی تحصیلات عالی را ادامه دهد.

فعالیت‌های او در زمان تحصیل در هنرستان با تدریس در مدرسه موسیقی، همنوازی در ارکستر تئاترشهر ماریوپل و همچنین کنسرت گیتار شکل حرفه‌ای به خود گرفته بود. در ۱۹۷۷ دو سال پس از ورود به آکادمی در مسابقه نوازندگی سازهای ملی در جمهوری اوکراین رتبه دوم را کسب کرد و از این سال به شکل فعال به اجرای کنسرت در سراسر اوکراین مشغول شد. در ۱۹۷۸ کنسرت‌های موفقی در آلمان شرقی برگزار کرد و از سال ۱۹۷۹ به تدریس در کنسرواتوار کی‌یف مشغول شد. در ۱۹۸۰ در مقطع دکترای کنسرواتوار پذیرفته و از این سال به تدریس در هنرستان حرفه‌ای موسیقی شهر کی‌یف به‌نام آهنگساز «گیلیر» دعوت شد. حاصل سال‌ها تدریس او در مقاطع مختلف شاگردانی چون آلک بویکا برنده سه مسابقه اروپایی، یوگنی میتین برنده مسابقه گیتار لهستان و مسکو، آندری استاپنکو برنده مسابقه گیتار کلاسیک در ایتالیا- رم و سولیست فیلارمونیای کی‌یف و بسیار شاگردان دیگر است. در سال ۱۹۹۸ میخایلنکو درجه استادی (پروفسور) را از آکادمی ملی موسیقی دریافت کرده است. وی اولین پروفسور از شوروی سابق است که در دو سال گذشته در سمینار ملی تابستانی گیتار «National Guitar Workshop» در آمریکا دعوت شده است و موازی با سمینار هر سال به اجرای چهار کنسرت در آمریکا از جمله شهر نیویورک پرداخته است.

از فعالیت‌های او می‌توان به این مطلب اشاره کرد: تالیف دو کتاب به نام‌های دایره‌المعارف گیتار کلاسیک (چاپ ۱۹۹۸ با همکاری «مان دین‌تان» از ویتنام) و اصول معلمی گیتار کلاسیک (چاپ سال ۲۰۰۳). این کتاب به بررسی شیوه‌های مختلف تدریس در مقاطع سنی مختلف و بررسی کامل رپرتوار گیتار کلاسیک پرداخته است. این کتاب در دنیا بازتاب خوبی داشته و به‌ویژه توجه بسیاری را در روسیه به خود جلب کرده است. دو آلبوم از اجراهای آثار بزرگان موسیقی کلاسیک (از باخ تا بلوز) و همچنین تنظیم متد آموزش و کتاب آموزشی برای هنرآموزان در شوروی و اوکراین و تالیف صدها مقاله در نشریات مختلف.

در چهار سال گذشته سه دانشجوی ایرانی در کلاس گیتار کلاسیک میخایلنکو به تحصیل پرداخته‌اند که همین امر موجب آشنایی او با گیتاریست‌های ایرانی و گیتار کلاسیک در ایران شده است. او فیلم کنسرت‌های علیرضا تفقدی و فرزاد دانشمند را دیده است و همچنین CDهایی از کارینا کیمیایی، علیرضا تفقدی، بهزاد میرخانی و لیلی افشار را در آرشیو دارد.

آنچه در ادامه می‌آید مصاحبه‌ای است که روز یکشنبه دوم اکتبر سال ۲۰۰۵ در کلاس شماره ۷۴ آکادمی ملی موسیقی با نیکلای پتروویچ میخایلنکو انجام گرفته است.

■لطفاً برای ما توضیح دهید که یک گیتاریست تا رسیدن به کنسرواتوار (در اوکراین) چه مسیری را طی می‌کند؟

در اوکراین دو مسیر برای رسیدن به کنسرواتوار وجود دارد؛ مسیر اول اینکه هنرجو در مدرسه موسیقی تحصیلات ابتدایی موسیقی را به مدت پنج سال به پایان می‌رساند و در این مدت دروس او شامل دروس عمومی، ساز تخصصی، سلفژ، تاریخ موسیقی و کر است. البته بسته به توان و تعداد دانش‌آموزان هر مدرسه ممکن است ارکستر و نوازندگی در ارکستر هم باشد. پس از این پنج سال یک سال دوره آماده‌سازی برای شرکت در امتحان ورودی هنرستان موسیقی خواهد بود و بعد هنرجو با گذراندن امتحان ساز تخصصی، سلفژ و دیکته موسیقی، تاریخ موسیقی و برخی دروس دیگر وارد هنرستان می‌شود.

دوره هنرستان در اوکراین چهار تا پنج سال است و بعد از آن هنرجو می‌تواند در امتحان ورودی کنسرواتوار شرکت کند که در اینجا امتحان شامل ساز تخصصی (گیتار)، سلفژ و دیکته موسیقی، هارمونی و آنالیز، تاریخ موسیقی جهان و تاریخ موسیقی روس است.

مسیر دوم هم هست، در اوکراین از دوره شوروی مدارسی با عنوان مدارس حرفه‌ای تاسیس شد که این مدارس با هدف تربیت متخصصین در رشته‌های مختلف فعالیت می‌کند. این مدارس به‌صورت شبانه‌روزی است. در اینجا کودکان از هفت‌سالگی به مدت ۱۱ سال مورد آموزش حرفه‌ای قرار می‌گیرند و علاوه بر آموزش آنها در محیط مدرسه بعد از کلاس‌ها مشغول به انجام تمرینات و تکالیف می‌شوند و معلمین کشیک بر تمرین آنها نظارت دارند. پس از ۱۱ سال آنها آمادگی ورود به مقطع عالی را دارند که البته سطح کیفی این هنرجویان بسیار بالاتر از دسته اول است.

■با توجه به اینکه در مدرسه موسیقی و هنرستان هنرجویان از سنین مختلف هستند، چه تفاوتی بین کار و وظیفه مدرسه موسیقی و هنرستان وجود دارد؟

در مدرسه موسیقی سه هدف دنبال می‌شود، اول آشنا کردن توده مردم با موسیقی به شکل عملی و تربیت علاقه‌مندان آشنا به موسیقی در سطح توده مردم، هدف دوم تربیت افرادی است که با توجه به آشنایی با موسیقی مصرف‌کننده موسیقی جدی و حامی این هنر هستند و در کنسرت‌ها حضور می‌یابند و با این هنر از نزدیک آشنا هستند، هدف سوم کشف استعدادهای واقعی و هدایت آنها و علاقه‌مند کردن آنها به انتخاب این هنر به‌عنوان هدف زندگی و حرفه و البته آماده‌سازی و آموزش آنها برای حضور در هنرستان است.

در هنرستان هدف اول تربیت معلمین آشنا به موسیقی و اصول موسیقی به شکلی عمیق از نظر تئوری و عملی برای مدارس موسیقی است. در اینجا همه چیز به شکل حرفه‌ای و جدی ارائه می‌شود و به همین نسبت از هنرجو خواسته می‌شود. هدف دوم تربیت موسیقیدانان حرفه‌ای برای اجرا و خلاقیت در سطوح بالاتر و کنسرواتوار است.

■حال فرض کنیم دانشجویی که این مسیر را طی کرده وارد کنسرواتوار شده است، حال هدف و وظیفه کنسرواتوار چیست؟ چه تفاوتی با هنرستان دارد؟

در اینجا در واقع هر کس خود هدف خود را مشخص می‌کند چرا که دیگر طرف صحبت دانشجویان هستند. دوره کنسرواتوار پنج سال است، چنانچه دانشجویی جدی نباشد و نتواند استانداردهای لازم را داشته باشد در سال چهارم مدرک معادل لیسانس دریافت می‌کند. دانشجویانی که وارد کنسرواتوار می‌شوند این دروس را در برنامه خود دارند. در رشته گیتار کلاسیک: ۱- ساز تخصصی ۲- پیانو عمومی (چهار سال) ۳- هارمونی و سلفژ (دو سال) ۴- تاریخ موسیقی (سه سال) ۵- آنالیز (یک سال) ۶- رهبری ارکستر سازهای ملی (دو سال) ۷- اصول معلمی ۸- نوازندگی در ارکستر ۹- همنوازی و... اگر در درس تخصصی یعنی نوازندگی گیتار کلاسیک دانشجو حضور فعال داشته باشد، در طول تحصیلات نمرات بالا کسب کند و در کنسرت‌ها شرکت کند و علاوه بر رهبری عمومی دو سال نیز رهبری ارکستر سازهای ملی را ادامه دهد در خاتمه کنسرواتوار به‌عنوان نوازنده کنسرتی - استاد- رهبر ارکستر سازهای ملی شناخته می‌شود. در صورت عدم شرکت فعال در کنسرت‌ها و نمرات نه‌چندان درخشان در دروس تخصصی در دیپلم او ذکر می‌شود «استاد گیتار کلاسیک». حال اینجا انتخاب با دانشجو است که چه راهی را انتخاب کند.

■دانشجویی که با قصد نوازنده حرفه‌ای شدن پیش شما می‌آید، با او به چه شکل برخورد می‌کنید؟

آیا نسبت به هنرستان آزادتر برخورد می‌کنید یا با همان سخت‌گیری‌های هنرستان؟

ببینید تمام دانشجویان سال اول یک بیماری دارند: من «سوپرستاره» هستم. همه فکر می‌کنند از آنجا که در این کنکور برنده شده‌اند دیگر اصل کار را انجام داده‌اند. بسیار کم هستند آنهایی که برنامه تمرینی و رژیم سختی را به خود تحمیل کرده و ادامه می‌دهند.

بعضی‌ها معتقد هستند که در کنسرواتوار هنرجو باید لهجه و سبک خود را پیدا کند. این در مورد آهنگسازی از روز اول مصداق دارد اما در مورد نوازندگی خیر. با نوازنده نمی‌شود از سبک و لهجه و صدای چنان و چنین صحبت کرد تا لحظه‌ای که تکنیک مناسب را داشته باشد.

با نوازندگان تنها در کورس‌های بالا بعد از کورس سه و چهار می‌توان صحبت از سبک و لحن شخصی کرد. زمانی که او اجراهای موفقی کرده است و خود را به همه ثابت کرده است اینجا می‌توان به او حق داد که قطعاتی نزدیک به خود انتخاب کند.

نکته مهمتر در مورد نوازندگان و تفاوت آنها با هم گستره علایق یک نوازنده است و اطلاعات او در حوزه‌های غیرموسیقایی. آیا ادبیات برای او جالب است؟ به تئاتر و سینما می‌رود؟ مطالعه در زمینه فلسفه و تاریخ دارد؟ ادیان را می‌شناسد؟ نقاشی را چطور؟ اینها مواردی است که میان دو نوازنده با تکنیک مساوی تفاوت‌های عمیق می‌گذارد. شما می‌توانید گیتاریستی خوب و صاحب تکنیک باشید و در عین حال موسیقیدان نباشید! موسیقیدان بودن فراتر از گیتاریست بودن است. از این‌رو در سال‌های سوم و چهارم مشخص می‌شود که آیا این گیتاریست موسیقیدان هم هست یا خیر؟

در اینجا دیده می‌شود که یک نفر موسیقی قدیمی را بهتر اجرا می‌کند. دیگری موسیقی مدرن را و حتی لباس پوشیدن او هم این را نشان می‌دهد که بهتر است موسیقی سبک‌های آزاد را اجرا کند. البته این به آن معنی نیست که دیگر لازم نیست سبک‌های دیگر را اجرا کند بلکه نقطه عطف برنامه او آثار یکی از دوره‌های موسیقی است.

■در ایران آشنایی ما با گیتار کلاسیک عمدتاً از شنیدن آثار ضبط شده ستارگان گیتار کلاسیک از قبیل رومرو، ویلیامز، بارونکو و... است از این‌رو این تفکر در میان هنرجویان وجود دارد که باید رپرتوار مشابه این نوازندگان داشته باشند. نظر شما در این مورد چیست؟ آیا استانداردی برای رپرتوار یک نوازنده می‌شناسید؟

من سئوالی می‌پرسم: «کدام هنرجو نمی‌خواهد ویرتئوز باشد؟» هر کسی که نوازندگی را شروع می‌کند و آثار بزرگان را می‌شنود آرزو دارد که روزی مانند آنها و با تکنیک مشابه آنها بنوازد. اما اینجا دو فاکتور وجود دارد. فاکتور اول تکنیک نوازندگی است که وابسته به فیزیک است. فیزیک انگشتان و توانایی‌های جسمی تا حدود زیادی به شرایط ارثی و نوع شروع کردن به یادگیری بستگی دارد. فاکتور دوم فکر و روح است. آشنایی با علوم تئوری موسیقی، تاریخ، جامعه‌شناسی، زیباشناسی و...

یک نوازنده به نوازنده دیگر گفت: «تو خیلی زیبا می‌نوازی اما من سریع‌تر از تو می‌نوازم.» بعضی‌ها این‌طور فکر می‌کنند. در حال حاضر برخی از هنرجویان همه چیز را در تکنیک و حرکت انگشتان می‌بینند. اینجا مطلب مهمی هست. هر نوازنده باید توانایی‌های واقعی خود را بشناسد و بداند آنها تا چه حدی به او کمک می‌کنند. تاکید می‌کنم «توانایی‌های واقعی». انتخاب قطعات مشکل و پیچیده و مدت طولانی دویدن به دنبال نت‌ها عملی بسیار اشتباه است.

نکته مهم دیگر این است که تکنیک یک مسئله جاودان نیست. من خودم زمانی بسیار عالی «ترمولو» اجرا می‌کردم. اما الان به خوبی گذشته اجرا نمی‌کنم. خوب از این تکنیک فاصله می‌گیرم و به اجرای قطعاتی می‌پردازم که توانایی اجرای آنها را دارم.

گیتاریست‌هایی هستند که به هیچ‌وجه تکنیک در حد نوازندگان ویرتئوز را ندارند اما بسیار عالی می‌نوازند چون رپرتوار مناسب انتخاب می‌کنند.

شما به کنسرتی می‌روید و می‌شنوید که نوازنده اجرا می‌کند، بسیار خوب اجرا می‌کند. همه چیز مرتب و درست اما همین و نه بیشتر! اما به کنسرتی می‌روید و نوازنده قطعات بسیار ساده اجرا می‌کند. که حتی در مدرسه موسیقی هم دانش‌آموزان از پس آنها برمی‌آیند اما همه سالن تحت‌تاثیر قرار گرفته و گویی جادو می‌شوند، از همان نت اول همه نفس‌ها در سینه حبس می‌شود. این یعنی «استاد»، این یعنی «هنرمند» و همه اینها در این است که شخص خود نمره مناسبی به خود می‌دهد. من آشنایی داشتم که چند قطعه بسیار مشکل از جمله «شاکن- باخ»، «رقص و نیایش- رودریگو» و چند قطعه دیگر را انتخاب کرد با این فکر که با اجرای این رپرتوار هم تکنیک مناسب پیدا می‌کند و هم برنامه‌ای درخور توجه خواهد داشت. حاصل تنها خستگی بود و دلزدگی از همه‌چیز. حال در این مدت می‌توانست چه تعداد قطعات زیبا و باارزشی اجرا کند و چه برنامه جالبی داشته باشد!

دوستانی داشتم که بسیار پرحرارت ساز می‌زدند، بعد از پنج سال دوباره آنها را دیدم. دیگر از آن حرارت خبری نبود اما برعکس کسی که رپرتوار مناسب داشت بعد از چند سال به چه رشد جالب توجهی رسید. دیدم که حتی قطعاتی برای گیتار نوشته است و تنظیم از آثار دیگر برای گیتار انجام داده است.

گیتاریست و موسیقیدان صورت‌های گوناگون دارند: «تنظیم‌کننده، آهنگساز، معلم، نوازنده و نویسنده.» همه اینها صورت زیبای یک موسیقیدان است و هرکس باید صورت خود را پیدا کند. من از میان روس‌ها «نیکتا کوشکین» را می‌شناسم که نوازنده بسیار متوسطی بود اما ببینید که تبدیل به آهنگسازی بین‌المللی شد. چرا؟ چون توانایی‌های واقعی خود را شناخت و به آنها بها داد.

■در ایران در حال حاضر معلمینی مشغول به تدریس هستند که تجربیات خوبی در خارج از ایران کسب کرده‌اند و حتی تحصیلات خود را در خارج از ایران تکمیل کرده‌اند. اما تعداد آنها نسبت به همه مشتاقان فراگیری این ساز بسیار کم است. دسترسی به «نت» و CD در ایران نسبتاً خوب و همچنین کتاب‌های آموزشی در این رشته بسیار زیاد به چاپ رسیده‌اند. برای کسانی که در واقع به خودآموزی می‌پردازند چه توصیه‌ای دارید؟

من این را در همه دنیا دیده‌ام که هنرجویانی با بهره‌گیری از نت و شنیدن اجراهای مختلف از یک اثر خود را به اجرای موردنظر خود نزدیک می‌کنند و بعضاً هم نتایجی به دست می‌آورند. در مورد اینترنت باید بگویم که اینترنت به تنهایی کمکی نمی‌کند چرا که بیشتر یک وسیله ارتباطی است. شما از وجود یک مسئله یا از حضور یک گیتاریست آگاه می‌شوید اما آن را لمس نمی‌کنید.

بزرگترین نقش در پیشرفت برعهده معلم است و هیچ‌چیز جای یک معلم خوب را نمی‌گیرد. من خودم در ابتدا سه سال بدون معلم تمرین کردم و می‌دانم که چقدر وقت و انرژی تلف کردم. چرا که مسیر درست را نمی‌دانستم. بدون معلم سخت می‌توان فهمید که چه اتود یا قطعه‌ای را چه موقع باید اجرا کرد، اجرای موفق در جمع و حضور شنوندگان هنرجو را بسیار به جلو حرکت می‌دهد. اما اینها همه در کنار معلم تحقق پیدا می‌کند.

■چه نوازندگانی در شما موثر بوده‌اند؟

اولین صفحه‌ای که گوش دادم بسیار بر روی من اثر گذاشت. یک گیتاریست به نام «رنه بارتوللی» که آثار «تارگا» را اجرا کرده بود. اطلاع دارید که من آرشیو بسیار خوبی دارم و تقریباً اجرای تمام آثار گیتار کلاسیک را دارم به خصوص آثار مهم را. حتی تا پانزده اجرا از یک اثر را در آرشیو دارم. بسیار نوازندگان ویرتئوز را در کنسرت‌ها شنیده‌ام، «ویرتئوزهای بی‌فکر». اینها نوازندگانی بودند که برای آنها تکنیک هدف بود.

اما در فیلارمونیای کی‌یف، نوازنده مکزیکی فلامنکو را شنیدم به نام «مانوئل راموس» که اجرایی فوق‌العاده بود و همه سالن را جادو کرد. نوازنده دیگر فلامنکو «پدرو سالور» را در فیلارمونیا شنیدم که او نیز فوق‌العاده بود و برای من این جالب بود که وقتی آثار ضبط شده این دو را شنیدم بسیار اجرای متوسطی داشتند اما اجرای زنده آنها بی‌نظیر بود.

در سال‌های اخیر اجراهای «مانوئل بارونکو»، «ریکاردو کوبو» و اسکات تانت را در آمریکا و در کنسرت‌هایشان شنیدم که بی‌نظیر بود و فهمیدم که در CD تنها چهل تا پنجاه درصد از زیبایی اجرای آنها شنیده می‌شود. البته برعکس این هم بود نوازنده‌ای که در CD فوق‌العاده است اما در کنسرت پنجاه درصد افت می‌کند مانند «خوسمن».

■گیتار مناسب چه اندازه در پیشرفت و آموزش موثر است؟

بسیار مهم است که از ابتدا با ساز مناسب شروع کنید. متاسفانه الان در اوکراین خرید ساز مناسب بسیار دشوار و گران است. وضعیت اقتصادی به اکثریت هنرجویان اجازه بهره‌گیری از ساز خوب را نمی‌دهد. سوءتفاهم‌ها که ساز خوب یعنی گیتار با صدای بلند و دیگر سوءبرداشت‌ها از تعریف گیتار مناسب به هنرجو ضربه می‌زند. داشتن گیتار با صفحه انگشت‌گذاری استاندارد و توانایی جوابگویی به موزیکالیته بسیار مهم است.

■در سال‌های اخیر شما دانشجویان ایرانی هم داشتید. آیا در میان آنها مشکل و ضعف مشترکی را می‌بینید؟

تکنیک این دانشجویان یکسان نبود. از این‌رو به طور کلی می‌توانم به این مشکلات اشاره کنم. اول از همه ضعف در سلفژ است و دروس تئوری و بعد اینکه بعضی از آنها فکر می‌کنند چون به کنسرواتوار راه پیدا کرده‌اند می‌توانند قطعات سخت و ویرتئوز را اجرا کنند و از این مسئله غافلند که هر چیز زمان خود را می‌طلبد. مشکلی که همه همکاران من در رشته‌های دیگر هم به آن اشاره دارند این است که دوستان شما علاقه‌مند هستند که در مغز خود «سالاد» درست کنند! یعنی می‌خواهند نوازنده، آهنگساز، رهبر، تنظیم‌کننده و... باشند و همه را در یک زمان شروع می‌کنند و حتی در یک رشته هم در یک لحظه به طور مثال چند قطعه سخت را شروع به نواختن و تمرین کردن می‌کنند. خوب خود شما نتیجه را حدس بزنید. اما سطح علاقه‌مندی و استعداد یادگیری بسیار امیدوارکننده است.

■شما به چه نحو برای شاگردان‌تان به انتخاب برنامه مناسب می‌پردازید؟ چه شرایطی را برای یک دانشجو لازم می‌دانید که یک قطعه را بتواند اجرا کند (اجرای مناسب و ایده‌آل)؟

ما در هر ترم پنج‌ماهه یک حداقل قائل هستیم. هر دانشجو باید پنج قطعه و پنج اتود اجرا کند. قطعات حتماً باید شامل پلی‌فنی و سونات یا تم و واریاسیون باشد، اجرای یک قطعه ویرتئوز اجباری است و دو قطعه دیگر که هر چیز می‌تواند باشد. اولین فاکتور سطح تکنیک دانشجو است و بعد اینکه قطعات باید آینده‌دار، توسعه‌دهنده دانش نوازنده و تثبیت‌کننده توانایی‌های او باشد، به طور مثال اگر کسی خوب آرپژ اجرا می‌کند بهتر است اتود یا قطعه‌ای با این تکنیک در برنامه خود داشته باشد که این تکنیک در او بهتر و پایدار شود و در ضمن اگر به طور مثال در اجرای گام‌ها و پاساژها مشکل دارد حتماً باید اتودهایی در این زمینه به او داده شود.

اجرای قطعاتی که با توجه به روحیه هنرجو در درازمدت به اجرای آنها و تکامل آنها خواهد پرداخت و لحن شخصی خود را در آنها خواهد یافت بسیار مهم است.

■اغلب دیده می‌شود که گیتاریست‌ها بیشتر به شنیدن موسیقی گیتار کلاسیک می‌پردازند حتی در کنسرت رفتن هم همین رویه را دارند، یعنی تنها به کنسرت‌های گیتار می‌روند. در این مورد شما چه نظری دارید؟

این یک بدبختی بزرگ است، همین باعث تفاوت موسیقیدان از گیتاریست و در کل تفاوت موسیقیدان از کسی که تنها نت‌ها را تایپ می‌کند می‌شود. اگر گیتاریست می‌خواهد موسیقیدان شود باید خود را متعهد به شنیدن رپرتوار جدی موسیقی کلاسیک شامل اپرا، موسیقی کرال و ارکسترال کند. شنیدن رپرتوار دیگر سازها به خصوص شناختن بخش مهمی از رپرتوار سازهای ویولن، ویولنسل، پیانو و فلوت، دانستن رنگ صدایی این سازها و شناخت حدودی از تکنیک این سازها غیرقابل اجتناب است. باید هنرجو در کنسرت‌های موسیقی سمفونیک شرکت کند چرا که این روح موسیقی است.

■سئوال آخر من مربوط به این است که در دنیا دیده می‌شود جوانان مثل سابق و سال‌های دهه هفتاد در فستیوال‌ها فعال نیستند و حتی خیلی کمتر از قبل به شنیدن کنسرت‌ها می‌روند. شما این مسئله را چطور ارزیابی می‌کنید؟

من در آمریکا هم دیدم که همه نگران این موضوع هستند. اینجا هم وضع خوب نیست، ببینید الان بنا به آمارها ۹۸ درصد مردم به سمت موسیقی پاپ کشش و تمایل دارند. چرا؟ چون وضع اقتصادی خوب نیست، همه ارزان‌ترین راه را برای استراحت انتخاب می‌کنند. امروز شما می‌توانید CD خواننده محبوب خود را با دو دلار تهیه کنید اما رفتن به یک کنسرت خوب هم همین قیمت را دارد البته با دو دلار جای مناسب پیدا نمی‌کنید! حتی می‌توانید نوشیدنی مورد علاقه خود را تهیه کنید و از کنسرت‌های خیابانی که هر آخر هفته کمپانی‌های مختلف ترتیب می‌دهند رایگان استفاده کنید. پس عملاً اینجا می‌بینید که توده مردم حمایتی از موسیقی کلاسیک نمی‌کنند.

از این‌رو هنرجوها هم از آینده می‌ترسند. دیگر کسی نمی‌خواهد بر روی اتودهای سور و کارکاسی وقت صرف کند. هفتاد درصد دانش‌آموزان و دانشجویان برنامه حداقل مدرسه و هنرستان و حتی کنسرواتوار را اجرا می‌کنند و بقیه وقت را صرف موسیقی غیرجدی می‌کنند که سریع‌تر کسب درآمد کنند.

گروه دیگری هم هستند که به کنسرت می‌روند و بلافاصله شروع به نقد می‌کنند. این شعور را ندارند که بفهمند همین که این نوازنده این کنسرت را ترتیب داده، چقدر کار بزرگی کرده است. خوب اگر بهتر می‌توانی تو هم کنسرت ترتیب بده! ما روس‌ها می‌گوییم: «دانا از اشتباهات دیگران درس می‌گیرد اما نادان حتماً باید خودش مرتکب اشتباه شود.» خوب این نوازنده این اشتباه را در کنسرت انجام داد، این گفتن ندارد. تو منتقد عزیز این اشتباه را تکرار نکن و کنسرت بهتری برای ما برگزار کن. ما منتظریم!»

گزارش

کناره‌گیری پرتماشاگرترین گروه‌های موسیقی

در حالی که صنعت کنسرت‌های راک خود را برای تورهای تابستانی که میلیون‌ها نفر را در سراسر اروپا و آمریکا به استادیوم‌ها خواهد کشانید آماده می‌کند، بنا بر گزارش نیویورک تایمز، مدیران شرکت‌های برگزارکننده کنسرت‌ها نگران سلامتی و کناره‌گیری تدریجی پرتماشاگرترین گروه‌های راک هستند که اغلب آنها بالای ۵۰ تا ۶۰سال سن دارند. تور آزفست با ۲۰میلیون دلار فروش در سال، یکی از تورهای عمده صنعت برگزاری کنسرت زنده در آمریکا است، اما آزی آزبورن که نیمی از استخوان‌های بدنش سال گذشته در یک تصادف سهمگین شکست، مشخص نیست تا چند سال بتواند مرد آهنی باقی بماند. او از ۲۶ کنسرت تور آزفست امسال فقط در ۱۰ کنسرت ظاهر خواهد شد. صنعت برگزاری کنسرت در آمریکا که سالانه سه میلیارد دلار بلیت می‌فروشد، نگران همین است، زیرا درصد عمده‌ای از کل فروش بلیت‌ها متعلق به گروه‌های راک و نوازندگانی است که هم‌سن آزبورن هستند.

آزی آزبورن هنرمند قدیمی موسیقی راک و بنیانگذار گروه بلک سبث، این روزها سردمدار و سرکرده تور تابستانی آزفست است که جمعی از هنرمندان متال از نسل‌های مختلف را در کنار هم دارد. آزبورن ۳۷سال پیش موقعی که ترانه Iron Man یا مرد آهنی را ضبط کرد، خود را مرد آهنی اعلام کرد.

اما آزی آزبورن یک هنرمند ۵۷ساله است که در کنسرت‌هایش آدم‌های یک نسل مسن‌تر از خودش و آدم‌های یک نسل کم‌سال‌تر از بچه‌هایش حضور می‌یابند. تور آزفست با ۲۰میلیون دلار فروش یکی از تورهای عمده صنعت برگزاری کنسرت زنده در

آمریکاست. اما آزبورن، نصف استخوان‌های بدنش را سال گذشته در یک تصادف سهمگین شکسته و معلوم نیست تا چند سالگی می‌تواند مرد آهنی باقی بماند، او از ۲۶ کنسرت تور آزفست امسال، فقط در ۱۰کنسرت ظاهر خواهد شد.

شرون آزبورن همسر آزی در مصاحبه به نیویورک تایمز گفت آزی باید استراحت کند و نمی‌تواند در هر کنسرت به اندازه همه افراد دیگر از خودش هیجان نشان دهد، برای اینکه برای او جنبه عادی و روزمره پیدا می‌کند. شرون آزبورن قبول دارد که این نگرانی وجود دارد که آزی آزبورن و دیگر هنرمندان هم‌سن او تا چند وقت دیگر اصلاً نتوانند روی صحنه ظاهر شوند. صنعت برگزاری کنسرت در آمریکا که سالانه سه میلیارد دلار بلیت می‌فروشد هم نگران همین است زیرا درصد عمده‌ای از کل فروش بلیت متعلق به گروه‌های راک و نوازندگانی که هم‌سن آزی آزبورن هستند ولی معلوم نیست مردان آهنی چقدر دوام بیاورند. تام پتی که این روزها با گروه خود Heartbreakers مشغول تور است ۵۷سال دارد، جیمی بافت به ۵۹سالگی رسیده و اریک کلپتون و پیت تاونستند ۶۱ساله‌اند. اعضای ماتلی کرو و ائروسمیت که امسال پائیز در توری با هم ظاهر می‌شوند، بالای ۵۰سال دارند و